

## متن پرسش

ایا اگر ما به جای شاه بودیم واز بچهگی در جایی بزرگ میشدیم که در اطراف ما ادم هایی بودند که همش به ما احترام بیهوده گذاشته-دست مارا بوسیده-مارا والا حضرت نامیده -در اطراف ما پر از طلا و جواهر بوده از دیوا ها شوت پر بوده و حرف هایی از دین جز احکام ان که البطه مضحک کردن انها به شاه رسیده ایا بیشتر زمان نمیخواست و همراه با عشق به اینکه دوست داریم انها هم بهشت برون وبدون مرگ بر شاه گفتن و با ارامش بیشتر حرکت کردن بهتر نبود ایا مثل برخورد ما با امریکا نیست خودتان را جای انها بگذارید؟

## متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: قرآن در آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ سوره اعراف خبر از تعهد فطری انسان در مقابل خدا می‌دهد که انسان ذاتاً حق را می‌شناسد و ربوبیت او را پذیرفته، می‌فرماید: « وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ، أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ » یعنی آنگاه که از فرزندان آدم، از پشت نسل‌هایشان، تعهد گرفتیم، خودشان را گواه خودشان گرفتیم، که آیا من ربّ شما نیستم؟ گفتند: آری شهادت می‌دهیم. این کار را کردم تا روز قیامت نگویند ما نسبت به ربوبیت تو غافل بودیم، یا بگویند که پدران ما مشرک بودند و ما هم فرزندان آنها بودیم و از خود اطلاعی نداشتیم، آیا ما را هلاک می‌کنی به جهت کاری که آن باطلان کردند؟ نتایج آیه: الف □ ذات همة انسان‌ها با پروردگار خود روبرو شده‌است. ب □ همه بدون استثناء ذاتاً به رب بودن خداوند شهادت داده‌اند. ج □ همه با یک علم ذاتی و حضوری پروردگارشان را می‌شناسند. د □ در قیامت بدکاران نمی‌توانند بگویند ما از ربوبیت خداوند بی‌اطلاع بودیم، چون جانشان چنین تصدیقی را همواره داشته و آنها با مشغول کردن خود به دنیا، آن صدا را در خود خاموش کرده و در نتیجه نشنیدند. ه □ با توجه به این ذات و فطرتِ آشنایِ به پروردگار هستی، نمی‌توانند بگویند چون پدران ما مشرک بودند ما هم مشرک شدیم و محیط و تربیت خانوادگی را بهانه‌ای برای بد بودن خود بگیرند. لذا ریشه اصلی بد بودن و خوب بودن هر کس، خود فرد است و محیط و خانواده و پدر و مادر و جامعه و زن، همه‌شان علت مُعَدّه یا شرایط هستند و علت اصلی خود انسان است که در مقابل ندای فطرت چه موضع و انتخابی بکند. و چه بسا از والدین غیر صالح و در محیطی فاسد، انسان‌هایی متعالی سربرآورند، چرا که این انسان‌ها نگذاشتند صدای فطرت در جانشان خاموش شود. و - این نوع

رویارویی با پروردگار که از طریق علم حضوری و شهود قلبی انجام می‌گیرد، جای انکار و عذری باقی نمی‌گذارد. ز - چون انسان فطرت و ذاتی دارد که آن ذات و فطرت، خدا را می‌شناسد، انسان می‌تواند با فعال نگه‌داشتن آن فطرت، حق را از باطل تشخیص دهد. ح □ کار مربی در اصلاح انسان‌ها « ذکر و تذکر» به حقایق است تا انسان براساس فطرتش به خود آید و به خود حقیقی‌اش که از رسیدن به آن راضی است، دست یابد، نه از خود گرفته شود. و نقش اصلی را در پذیرفتن ندای فطرت و یا پشت‌کردن به آن، خود فرد به‌عهده دارد و به همین جهت هم می‌شود از یک پدر و مادر در شرایط مساوی دو فرزند به‌وجود آید که یکی کاملاً به فطرت خود پشت کرده‌باشد و لذا نباید نقش محیط و خانواده و امثال این‌ها را عمده کرد و بدی بدکاران را از دوش آنها برداشت، و یا والدین علت اصلی انحراف فرزندان را به خود نسبت دهند. ۷- توحید فطری : یعنی انسان فطرتاً هم خدا را « خالق هستی» و هم « ربّ هستی » و هم « اله و معبود هستی » می‌شناسد. یعنی فطرت انسان، توحید را در همه ابعاد آن درک می‌کند. لذا امام معصوم(علیه‌السلام) می‌فرمایند: « فَطَرَهُمْ عَلَى التَّوْحِيدِ » یعنی براساس توحید، انسان سرشته شده. و در نتیجه در عمق جانش می‌فهمد خدایی در صحنه است که هم خالق هستی و هم رب هستی و هم معبود اوست. در همین رابطه قرآن می‌فرماید: « أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ، وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ » (یس/ ۶۰) یعنی ای فرزندان آدم! مگر به شما سفارش نکردم و شما تعهد نکردید که شیطان را نپرستید، زیرا که او برای شما دشمنی آشکار است، و مرا بپرستید که راه مستقیم همین است و بس. یعنی راه راست، همان راه است که فطرت انسانی نشان می‌دهد و آن پرستش خدای یگانه است و پرستش هر معبودی غیر خدا کج‌روی و انحراف از مسیر مستقیم فطرت است و فراموشی پرستش خدای متعال در واقع؛ دورافتادن از فطرت انسانی و فراموش‌کردن خویشتن حقیقی خویش است. موفق باشید